

تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی بر اساس راهبردهای نظری امام علی علیه السلام (با تأکید بر نامه ۳۱ نهج البلاغه)

کفرزانه نوری / کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه اصفهان

noorifarzaneh85@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-0298-1562

m.b.kai@edu.ui.ac.ir

محمدباقر کجباف / استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

s.r.tabaeian@edu.ui.ac.ir

سیدمراضیه طبائیان / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه معارف اصفهان



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی بر مبنای راهبردهای نظری امام علی علیه السلام در «نهج‌البلاغه» است. در این پژوهش برای تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی از روش «کیفی» که شامل سه روش با عنوان‌های «تحلیل مضمون»، «سه‌سوسازی داده‌ها» (به‌عنوان روشی برای ارزیابی اعتبار یافته‌ها)، و ترکیب «راهبرد اکتشافی متوالی» استفاده شده است. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش «هدفمند» استفاده گردیده که عبارت است از: گزینش واحدهای (منابع) خاص مبتنی بر اهداف خاص و مرتبط با سؤال‌های پژوهش. پس از جمع‌آوری مطالعات اولیه با مراجعه به چهار تن از متخصصان حوزه روان‌شناسی اسلامی و کسب نظرات آنان، الگوی نهایی طراحی شد. یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش نشان می‌دهد: الگوی ارزش‌های اخلاقی شامل شش مؤلفه ذیل است: «فوق دنیا زندگی کردن و تحلیلگر زندگی خود بودن»، «غایب‌نگری و توجه به حیات ابدی»، «خدامحوری»، «شناخت حقیقت خود و دنیا»، «تنظیم روابط با دیگران»، «خوداصلاحی و خودسازی در جهت اهداف اصیل».

کلیدواژه‌ها: الگو، ارزش‌های اخلاقی.

نظام ارزشی در ساختار روان‌شناختی افراد، به‌مثابه درونی‌ترین لایه شخصیت و هویت، شکل‌دهنده پایه‌های نظام نگرشی و رفتاری آنان است (لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳). در اهمیت نقش و جایگاه ارزش همین بس که تمام رفتارها، اعمال، مقاصد و نیت‌های انسانی از آن سرچشمه می‌گیرد و هر رفتاری تنها به این علت رخ می‌دهد که ارزشی بر ارزش دیگر غلبه می‌کند.

ارزش‌ها به‌مثابه اصول راهنمای مهم زندگی (مایو، ۱۹۹۸)، معیارهایی مطلوب برای داوری درباره رفتارها، خدادادها و مردم در پی‌ریزی و بیان نگرش‌ها و هنگام‌گزینش و مستدل ساختن رفتارها (منستد و هوستون، ۱۹۹۶) و باورهای امر و نهی‌کننده درباره الگوهای آرمانی رفتار و حالت‌غایی (روکیچ، ۱۹۷۳) تعریف شده‌اند.

بسیاری از نظریه‌پردازان گذشته و معاصر مطرح کرده‌اند که ارزش‌ها به‌مثابه اهداف کلی و فراموقعیتی نقش مهمی در زندگی شخص به عهده دارند. قابل ذکر است که نظام ارزشی فرد می‌تواند در انتخاب شغل، رشته تحصیلی، ازدواج، انتخاب شیوه زندگی و احتمالاً به‌منزله عامل پیشگیری یا ابتلا به برخی از آسیب‌های روانی تأثیر داشته باشد (احمدوند و رضایی، ۱۳۸۴). بنابراین پرداختن به نظام ارزشی به شیوه‌ای علمی و کاربردی بسیار مهم است.

به کمک ارزش‌ها می‌توان خوب را از بد و رفتار انسانی را از رفتار غیرانسانی متمایز کرد (علوی و حاج غلامرضایی، ۱۳۹۱).

جعفری (۱۳۷۵) نیز به نقل از ملک‌ی (۱۳۸۴) معتقد است: ملاک اساسی ارزش انسانی، چه در حالت فردی و چه در حالت اجتماعی، بهره‌برداری از نیروها و استعدادها مثبت و سازنده در راه زندگی آزادانه و رو به هدف تکاملی است. وی «ارزش» را در مفهوم عام آن در نظر می‌گیرد و به همه سودهای مادی و معنوی اشاره می‌کند. بنابراین، هر چیزی که به انسان در جهت زندگی کمک کند «ارزش» است. در واقع، ارزش ادامه حیات و حفظ جامعه را تضمین می‌کند.

ارزش‌ها به‌اندازه‌ای در زندگی ما نفوذ دارند که راستای عمل خود را از آنها می‌یابیم، پیرامون خویش را تفسیر می‌کنیم و جایگاه خود را توجیه می‌نماییم (نوری‌پور لیاولی و رسولی، ۱۳۹۲). ارزش‌ها اصولی هستند که گروه اجتماعی هنگام پرسش درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و کمال مطلوب به آن رجوع می‌کند (توسلی و فاضل، ۱۳۸۹، ص ۷۳). بنابراین ارزش به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی، نقشی اساس در شکل‌گیری، پایش و پیش‌بینی کنش‌ها و گرایش‌های افراد جامعه دارد و عنصری مرکزی در ساختار فرهنگی جوامع به شمار می‌رود (مهدوی و زارعی، ۱۳۹۰).

واژه «ارزش» در موارد متعددی به کار می‌رود؛ مانند ارزش اقتصادی، ارزش هنری، ارزش معرفت‌شناختی، ارزش منطقی، ارزش اجتماعی، ارزش تاریخی، ارزش سیاسی، ارزش حقوقی، و ارزش اخلاقی (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۵۱).

آپورت از جمله کسانی است که به بررسی نظام ارزشی پرداخته است. او شش نظام ارزشی اساسی را تعیین کرده است. به عقیده وی تمام انسان‌های دنیا از این شش نظام استفاده می‌کنند. این نظام‌ها شامل علم و دانش، ارزش‌های سیاسی (قدرت و سلطه)، ارزش‌های زیبایی‌شناختی، ارزش‌های اقتصادی (پول و ثروت)، ارزش‌های اجتماعی (شهرت و محبوبیت) و نظام ارزشی دینی هستند. به عقیده وی نظام ارزشی دینی تنها نظامی است که می‌تواند به‌طور مستمر و کامل به شخصیت، وحدت و یکپارچگی ببخشد (میردریگوندی، ۱۳۸۲).

محققان بسیاری به تحقیق در حیطه نظام ارزشی و تعیین مؤلفه‌های آن پرداخته‌اند؛ از جمله روکیچ (۱۹۷۳) که دو مجموعه از مؤلفه‌های نظام ارزشی را معرفی کرده است:

یک مجموعه به نام «نظام ارزش‌های غایی» (زندگی راحت، زندگی مهیج، احساس کمال‌یافتگی در امور، صلح جهانی، جهان زیبا، برابری، امنیت خانوادگی، آزادی، خوشبختی، توازن درونی، عشق کامل، امنیت ملی، لذت، رستگاری، احترام به خود، تشخیص اجتماعی، دوستی واقعی، خرد) که به غایت‌های وجود اشاره دارند.

مجموعه دیگر به نام «نظام ارزش‌های ابزاری» (بلندمرتبه‌جویی، وسعت نظر، توانایی، نشاط، پاکیزگی، شهامت، بخشندگی، یاریگری، صداقت، ابتکار، استقلال، هوشمندی، منطقی بودن، محبت، فرمانبرداری، ادب، مسئولیت‌پذیری، خودمهارگری، خودداری، و انضباط) که به شکل مرجح رفتار، وسیله نیل به ارزش‌های غایی هستند.

هریک از این دو مجموعه شامل ۱۸ ماده ارزشی منفرد است که هر یک با عبارتی کوتاه، تعریف و معنا می‌شود. ارزش‌های این دو مجموعه، معرف دو نظام متمایز و در عین حال، از لحاظ کنشی به هم پیوسته هستند، بی‌آنکه الزاماً هماهنگی یک به یک میان هر یک از ارزش‌های ابزاری و ارزش‌های غایی وجود داشته باشد (روکیچ، ۱۹۷۳).

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، ارزش انواع گوناگونی دارد. مبحث «ارزش» و شناخت چستی آن یکی از مسائلی است که از دیرباز توجه فیلسوفان اخلاق را به خود جلب کرده است. همگان کوشیده‌اند تا به‌گونه‌ای معیار و ملاک قضاوت‌ها و ارزش‌گذاری‌های اخلاقی را بیابند. بی‌شک ما برخی کارها را از نظر اخلاقی ارزشمند می‌دانیم، فاعل آن را تحسین می‌کنیم و برخی دیگر را فاقد ارزش اخلاقی به‌شمار آورده، درباره آنها هیچ‌گونه قضاوت ارزشی انجام نمی‌دهیم.

اما سخن در این است که تفاوت این دو دسته افعال در چیست؟ چه چیزی موجب می‌شود که برخی کارها جنبه تقدس و تعالی پیدا کنند و برخی دیگر فاقد بُعد تقدس و تعالی باشند؟ در اینجا است که دیدگاه‌های متعددی در تعیین معیار کار اخلاقی و تبیین چستی ارزش اخلاقی پدید آمده است، تا آنجا که می‌توان گفت: به تعداد صاحب‌نظران و مکاتب اخلاقی، درباره قوام کار اخلاقی رأی و دیدگاه ابراز شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶).

لازم به ذکر است که اهمیت مسئله «ارزش» منحصر به فلسفه اخلاق نیست، بلکه این مبحث در سایر علوم اجتماعی و انسانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در علوم روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و علوم اقتصادی به شکل‌های متفاوت و از ابعاد گوناگون، به مبحث «ارزش» پرداخته و تحقیقات گسترده‌ای نیز در این موضوع و مسائل جانبی آن صورت گرفته است (همان).

آیت‌الله مصباح یزدی اساس ارزش‌ها را غایات و اهداف افعال و رفتارها می‌داند و بیان می‌دارد: ارزش رفتارهای اخلاقی به غایات و اهداف آنهاست. چون ما اهداف مقدسی داریم که برای ما مطلوبیت ذاتی دارند، باید کارهایی انجام دهیم که ما را به آن اهداف مقدس برسانند، و اینجاست که ارزش‌های اخلاقی پدید می‌آیند.

با توجه به این نکته گفته می‌شود که هدف انسان رسیدن به قرب الهی است، و این بالاترین هدفی است که برای سیر تکاملی انسان وضع می‌شود و ارزش رفتارهای اخلاقی از آنجا ناشی می‌شود که یا مستقیماً موجب قرب الهی می‌شوند و یا زمینه تقرب به خدا را فراهم می‌آورند. بر این اساس رابطه دین و اخلاق و وابستگی اخلاق به دین تبیین می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۷).

بشر امروزی به علت رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اخلاقی، ناگزیر است به ارزش‌های اخلاقی رو بیاورد (نجازادگان، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

به اعتقاد آبراهام مزلو، مطلوب انسان ارزش‌های بودن است. مزلو این‌گونه مطرح می‌کند: همه افراد به نوعی زندگی خود را وقف تحقق ارزش‌های بودن و وقف ارزش‌های غایی غریزی می‌کنند که نمی‌تواند به چیزهای غایی‌تری تنزل یابد. تقریباً چهارده ارزش بودن وجود دارد که شامل حقیقت، زیبایی، خوبی، کمال، سادگی، جامعیت، عدالت، تمامیت و چند ارزش دیگر می‌شود (میلانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷).

از همین رو، از نگاه مزلو، بالاترین سعادت برای بشر این است که به دنبال ارزش‌های بودن، ارزش‌های برتر و اخلاقی باشد. ارزش‌های بودن یا زندگی براساس ارزش‌های اخلاقی که با ارضا یا برآوردن نیازهای والای انسانی مقدر است، تأمین‌کننده بالاترین لذت‌ها و سعادت‌های شناخته شده برای بشر است (همان).

اخیراً پژوهشگران مسلمان به مسائل مربوط به ارزیابی ارزش‌ها توجه خاصی نشان داده‌اند (مونا، ۲۰۱۰). برخی از پژوهشگران مسلمان براساس جهان‌بینی اسلامی، به گسترش نظریه خود در رابطه با مفهوم ارزش‌ها از منظر اسلام پرداخته‌اند. ارزش‌ها و قواعد اخلاقی به جهاتی متفاوت از قوانین و دستورهای اجتماعی هستند. دستورهای اجتماعی برحسب فرهنگ، زمان، مکان و شیوه‌های زندگی تغییر می‌پذیرند، و حال آنکه انتظار می‌رود ارزش‌ها و قواعد اخلاقی ارزشی همگانی داشته باشند و تغییرپذیری آنها نسبت به فرهنگ ناچیز باشد. بنابراین ارزش‌های اخلاقی به معنای وجود انسان و کمالاتی هستند که معیار تکامل انسان به شمار می‌روند.

گذشته از این، وجود ارزش‌های اخلاقی در زندگی انسان امری بدیهی است و انسان با باید‌ها و نبایدها،

ضرورت‌ها و به عبارت دیگر، خوب و بد سرورکار دارد (کاردوست فینی، ۱۳۹۳). مطابق دیدگاه عبدالله، صالح، محمود و غنی (۲۰۱۰)، ارزش‌های اخلاقی اعتقاداتی هستند که توسط فرد پذیرفته می‌شوند و در گروه‌های منسجم اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شوند. این ارزش‌ها به تعیین رفتار درست و اشتباه و انتخاب بین دو موقعیت مربوط هستند. صبر، قدردانی، توجه مثبت، تواضع، درستکاری، عشق، و مراقبت از جمله ارزش‌های اخلاقی هستند که عبدالله و همکاران او (۲۰۱۰) به آن اشاره کرده‌اند.

قابل ذکر است که میزان علاقه افراد جامعه به ارزش‌های اخلاقی می‌تواند موجبات انحراف یا جلوگیری از انحراف اجتماعی را به وجود آورد و به طور کلی جامعه‌ای که افراد آن پایبند به اخلاق و یا ارزش‌های اخلاقی نباشند دیر یا زود به زوال کشیده خواهد شد (احمدی و زارعی، ۱۳۹۰، به نقل از: ملکی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

به همین علت دین مبین اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان نمونه‌های عملی تفکرات اسلامی، با تدوین نظامی پویا در رابطه با اخلاق در پی پایه‌ریزی جامعه‌ای پارسا و باتقوا هستند که حرکات و سکنات آن برای رسیدن به اوج ارزش‌های اخلاقی است که موجبات رشد و شکوفایی هرچه بیشتر آن جامعه را در فضایی سالم فراهم می‌کند.

مطابق دیدگاه شهید مطهری ارزش‌ها به دو دسته «ارزش‌های ثابت یا فردی» و «ارزش‌های نسبی یا اکتسابی - محیطی» تقسیم می‌شوند. حق‌جویی، عدالت‌طلبی، زیبایی‌دوستی، کمال‌گرایی، صداقت، ابتکار و نوآوری، عبودیت و خدامحوری از اصول ثابت اخلاقی و فطری هستند و ارزش‌های مکانی، زمانی، محیطی، تاریخی، عرفی و مانند آن نسبی و متغیر هستند (مطهری، ۱۳۵۲، به نقل از: نوری‌پور لیاولی و رسولی، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از علل توجه به موضوع ارزش‌های اخلاقی با توجه به مفاهیم مطرح‌شده توسط اهل‌بیت علیهم‌السلام این است که نظام ارزشی و اخلاقی مطرح‌شده توسط این بزرگواران فراگیر، عام و شامل است، در حالی که مفاهیم مطرح‌شده در بسیاری از مکاتب دیگر تنگ و محدود است و عمدتاً منحصر به ارزش‌های اخلاقی مطرح‌شده در محیط اجتماعی است و به موضوع ارتباط انسان با خدا و موضوعاتی مانند آن توجهی ندارد. این در حالی است که نظام فکری اهل‌بیت علیهم‌السلام همه عرصه‌های حیات را دربر می‌گیرد.

با توجه به مفهوم «نسبی بودن ارزش‌ها و اخلاق» در مکاتب غربی، مبنای رجوع ما برای این پژوهش، اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند که به سبب ویژگی «عصمت» مفاهیمی را مطرح می‌کنند که ریشه در حقیقت عالم و انسان دارد. قابل ذکر است که توجه به ارزش‌های اخلاقی و به طور کلی ارزش‌ها، در نوجوان و جوان، به علت افزایش رشد شناختی، توجه بیشتری به مفاهیم انتزاعی صورت می‌گیرد.

یکی از موضوعات اساسی در دوره نوجوانی و جوانی ایجاد یک هویت و دستیابی به یک تعریف منسجم از خود است که توجه به ارزش‌ها یکی از مشخصه‌های اصلی این هویت را تشکیل می‌دهد (همایونی، ۲۰۱۱). در خلال سال‌ها، جوانان به‌گونه‌ای فزاینده به معانی انسانی ارزش‌ها در تضاد با معانی مطلق آنها پی می‌برند. جوان برای

اثبات و ترویج نظام ارزشی که به نظر او بهترین است، تجربه‌ها و انگیزه‌های خاص خویش را به کار می‌برد. نظام ارزشی او به شیوه‌ای رو به تزاید، شخصی می‌شود (تیلکر، ۱۹۷۵).

در جهان معاصر که ویژگی بارز آن، کم‌رنگ شدن ارزش‌های معنوی و اخلاقی و تشدید بحران هویت انسانی است، اهتمام به امور نوجوانان و جوانان از اهم مسائل اجتماعی است. چون نوجوانان سرمایه اصلی و آینده‌سازان هر کشوری هستند، برنامه‌ریزی برای امور مرتبط با آنها از اولویت خاصی برخوردار است (پوریوسفی و آقاپور فرکوش، ۱۳۸۶).

بنابراین باید کوشید نظامی ارزشی به نوجوانان و جوانان معرفی شود که ریشه در حقیقت دارد و متناسب با فرهنگ و تفکر خانواده‌های ایرانی است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه ۳۱ *نهج البلاغه* که یک دائرةالمعارف کامل تربیتی است، فرزند جوان خود امام حسن علیه السلام را مخاطب قرار می‌دهند که «بَادِرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ وَ أَوَدَّتْ خِصَالًا» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷)؛ به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش‌های اخلاقی را برای تو برشمردم. همچنین می‌فرمایند: «وَأِنَّمَا قَلْبُ الْخَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ وَ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ»؛ حقیقت آن است که قلب جوان همچون زمین آماده‌ای، سرشار از قابلیت و پذیرش است؛ هر بذری را در خود می‌پذیرد و رشد می‌دهد. ایشان در سخن دیگری می‌فرمایند: «أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)؛ برترین خرد، خودشناسی انسان است و هر که خود را شناخت خردمند شد و هر که خود را شناخت گمراه گشت.

بدین‌روی این پژوهش با استناد به این نامه با توجه به ضرورت و اهمیت خودشناسی در این سنین و پیدایش سؤال «من کیستم؟» در ذهن جوان و نوجوان و قبل از اینکه قلب او سخت شود و به جایی برسد که دیگر نتواند مطلب درست و حقیقی را بپذیرد، باید موضوعات اساسی و اولویت‌های ارزشی حقیقی را به او عرضه کرد.

در این میان سخنان امیرمؤمنان علیه السلام به‌ویژه نصایح ایشان به فرزندشان امام حسن علیه السلام، به‌عنوان نماینده تمام جوانان و نوجوانان مدنظر اصلی این مقاله است. ایشان با توصیه‌های خود، نگاه انسان را به اهدافی متعالی‌تر از زندگی روزمره می‌اندازند؛ انسان‌ها را از زندگی در دنیا بیگانه نمی‌کنند تا نه جهان کوچک شود و از گستردگی آن کاسته شود و نه از ابدیت غافل گردد و نه انسان آنچنان تقلیل یابد که گویا همه استعداد‌های او در محدوده شناخت بعد حیوانی او خلاصه شود (طاهرزاده، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۱).

با توجه به نبود الگوی متناسب با فرهنگ و سبک زندگی جامعه ایرانی در رابطه با ارزش‌های اخلاقی، توجه اصلی پژوهش به سمت تدوین نظام ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه حضرت علی علیه السلام متمایل شده است؛ زیرا ایشان از یک‌سو در سخنان خود توجه ویژه‌ای به جوانان و نوجوانان و تربیت آنها داشته‌اند و از سوی دیگر، باید نظامی ارزشی به نوجوانان معرفی کرد که متناسب با فرهنگ خانواده و جامعه آنها باشد.

سؤالات مدنظر در این پژوهش عبارت است از:

۱. نظام ارزش‌های اخلاقی براساس راهبردهای نظری امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ *نهج‌البلاغه* چیست؟
۲. مؤلفه‌های نظام ارزش‌های اخلاقی براساس راهبردهای نظری امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ *نهج‌البلاغه* چیست؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی بر مبنای راهبردهای نظری امام علی علیه السلام در *نهج‌البلاغه* با تأکید بر نامه ۳۱ *نهج‌البلاغه* انجام گرفته است. روش آماری استفاده شده در این پژوهش «کیفی» بوده که شامل «تحلیل مضمون»، «سه‌سوسازی داده‌ها» و روش تحقیق ترکیبی «راهبرد اکتشافی متوالی» است.

راهبرد منتخب در این پژوهش، طرح «راهبرد اکتشافی متوالی» است که شامل گردآوری داده‌های کیفی در مرحله اول و به دنبال آن گردآوری و تحلیل داده‌های کمی در مرحله دوم است که خود براساس نتایج کیفی مرحله اول بنا نهاده می‌شود (کرس ول، ۱۳۹۱، ص ۸۳). در این روش پژوهشگر با استفاده از رویکردی سه‌مرحله‌ای، ابتدا داده‌های کیفی را گردآوری و تحلیل می‌کند (مرحله اول)، از این تحلیل برای ساخت ابزار استفاده می‌نماید (مرحله ۲) و در پی آن، ابزار را در یک نمونه از جامعه اجرا می‌کند (مرحله ۳) و براساس نتایج یک الگوی کیفی براساس داده‌های کمی آنها را ارائه می‌دهد (کرس ول و پلانوکلاک، ۲۰۰۷).

«سه‌سوسازی» روشی است که از تبیین‌های ناقص، سطحی و ساده‌انگارانه جلوگیری می‌کند. چهار نوع شناخته‌شده آن عبارتند از: «سه‌سوسازی داده‌ها»، «سه‌سوسازی محقق»، «سه‌سوسازی نظری» و «سه‌سوسازی روش‌شناختی» (مدنی بروجنی و نصر، ۱۳۸۸).

روش مدنظر در این پژوهش «سه‌سوسازی داده‌ها» است که براساس آن، گردآوری داده‌ها در زمان‌های گوناگون، از افراد متفاوت و در مکان‌های مختلف صورت می‌پذیرد (دنزین، ۱۹۷۸). براساس کار جیک (۱۹۷۹) پس از استخراج مؤلفه‌ها می‌توان یک پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته از مؤلفه‌های استخراجی براساس تحلیل مضمون صورت‌گرفته تهیه کرد و به گردآوری اطلاعات پرداخت که در این پژوهش در جهت افزایش صحت و اعتبار پژوهش از این روش استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش در دو حوزه متون و متخصصان قابل بررسی است. در حیطه تفاسیر *نهج‌البلاغه* و نوجوان و جوان در نگاه امام علی علیه السلام، قریب ۱۱۰ جلد کتاب موجود بود و در حوزه متخصصان، می‌توان به متخصصان روان‌شناسی اسلامی در این حوزه اشاره کرد.

در این پژوهش در مرحله استخراج نظام ارزش‌ها، از روش «نمونه‌گیری هدفمند» استفاده شد که عبارت است از: گزینش واحدهای (منابع) خاص مبتنی بر اهداف خاص و مرتبط با سؤال‌های پژوهش (محمدپور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۳۹)، براساس مطالعات اولیه‌ای که صورت گرفت، در حوزه متون تخصصی، چند تفسیر از *نهج‌البلاغه*، از جمله تفسیر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از *نهج‌البلاغه* با عنوان *پیام امام امیرالمؤمنین* علیه السلام کتاب *فرزندم چنین باش*، اثر

سیدجمال‌الدین دین‌پرور؛ و مجموعه دوجلدی *فرزندهم، اینچنین باید بود و شرح و تفسیر نهج‌البلاغه*، اثر اصغر طاهرزاده انتخاب گردید. در حوزه متخصصان نیز به چهار تن از روان‌شناسان و متخصصان دینی مراجعه شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته محقق‌ساخته که با استفاده از مؤلفه‌های شبکه مضامین مربوط به نظام ارزش‌های اخلاقی به‌دست آمده تهیه شد.
۲. مصاحبه با متخصصان براساس پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته.

روش اجرای پژوهش

این پژوهش دارای چهار مرحله اساسی است:

۱. مراجعه به متون و منابع غنی اسلامی در باب *نهج‌البلاغه* و استخراج مؤلفه‌های ارزش‌های اخلاقی از نگاه امام علی^ع در سه محور مطرح شده و تدوین شبکه مضامین؛ لازم به ذکر است از شبکه مضامین به‌دست‌آمده در تهیه پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته برای مصاحبه با متخصصان حوزه در جهت «سه‌سوسازی داده‌ها» استفاده شد.
 ۲. ساخت پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته و مراجعه به متخصصان روان‌شناسی و اسلامی در حوزه تخصصی الگوی ارزش‌های اخلاقی از نگاه امام علی^ع و مصاحبه با آنها به منظور «سه‌سوسازی داده‌ها» براساس پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته‌ای که از مؤلفه‌های استخراج شده در مرحله اول تهیه شده است. استفاده از مصاحبه براساس پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته در جهت افزایش صحت و اعتبار داده‌های به‌دست‌آمده از شبکه مضامین و به آن هدف بوده است که مشخص گردد میان اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با متخصصان و مؤلفه‌های استخراج شده از مضامین (شبکه مضامین)، چه میزان افتراق و اتفاق نظر وجود دارد.
 ۳. استفاده از «راهبرد اکتشافی متوالی» در زمینه استخراج ارزش‌های اخلاقی و تدوین آن؛ پس از آنکه شبکه مضامین براساس مؤلفه‌های استخراج‌شده مشخص گشت و براساس مصاحبه‌های صورت گرفته با توجه به پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته اعتبار و صحت داده از طریق «سه‌سوسازی» به‌دست آمد، با استفاده از «راهبرد اکتشافی متوالی» ارزش‌های اخلاقی از نگاه امیرمؤمنان علی^ع استخراج، تدوین و تبیین شد.
 ۴. تدوین مؤلفه‌های نظام ارزش‌های اخلاقی براساس الگوی به دست آمده از مبانی نظری امام علی^ع.
- پس از مطالعه متون و تفاسیر مرتبط با *نهج‌البلاغه*، به‌ویژه تفاسیر مرتبط با نامه ۳۱ *نهج‌البلاغه*، ابتدا رمزگذاری اولیه گزاره‌های استخراج‌شده صورت پذیرفت و سپس به رمزگذاری ثانویه گزاره‌ها اقدام گردید و در نهایت، با جمع‌بندی رمزگذاری اولیه و ثانویه گزاره‌های استخراج شده، شبکه مضامین مرتبط با نظام ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه امام علی^ع در *نهج‌البلاغه* طراحی گردید. اطلاعات جمع‌آوری‌شده از متخصصانی که با آنها مصاحبه صورت گرفته بود، با اطلاعات جمع‌آوری‌شده در قالب شبکه مضامین و الگوی کیفی اولیه مقایسه و بررسی گردید و پس از جمع‌بندی نهایی، الگوی کیفی مرتبط با نظام ارزش‌های اخلاقی تدوین و ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

در مرحله اول و انجام رمزگزاری اولیه در رابطه با ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه امام علی علیه السلام در *نهج‌البلاغه* (با تأکید بر نامه ۳۱)، ۱۲۵ گزاره در قالب رمزگذاری اولیه احصا شد. در رمزگذاری اولیه هدف اول دسته‌بندی اولیه در ارزش‌های اخلاقی است که منجر به منظم شدن مطالعات صورت گرفته و هموار نمودن مسیر برای رمزگذاری‌های بعدی است.

در مرحله بعد، رمزهایی که از مرحله اول استخراج شده بود و ارتباط مفهومی بیشتری با یکدیگر داشت، در قسمت رمزگذاری ثانویه، زیرمجموعه یک رمز قرار گرفت و سپس با ارائه یک جمع‌بندی نهایی براساس رمزگذاری‌های اولیه و ثانویه به استخراج شبکه مضامین پرداخته و شبکه ارزش‌های اخلاقی در *نهج‌البلاغه* (با تأکید بر نامه ۳۱) ارائه شد.

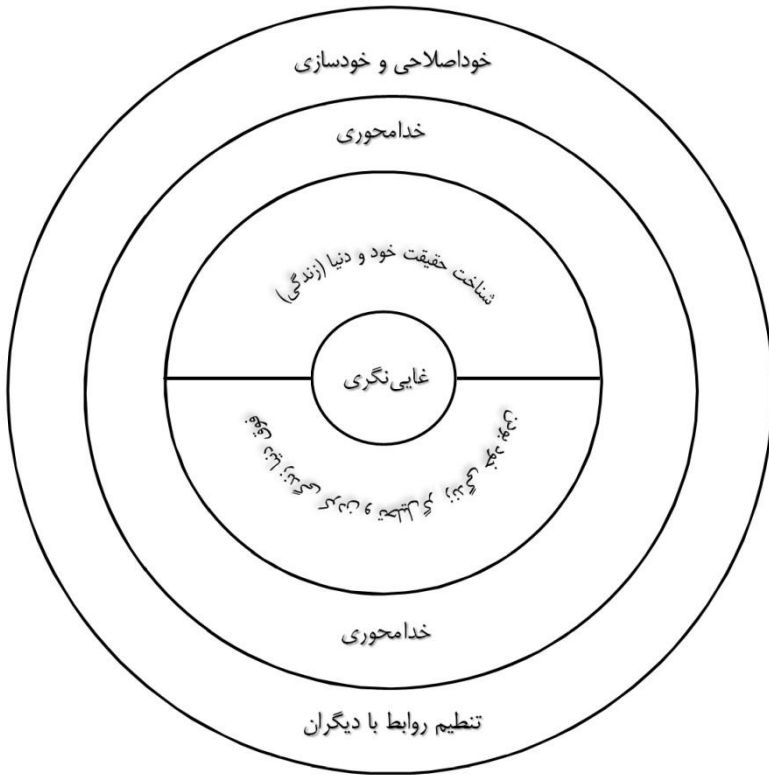
شکل ۱: شبکه مضامین ارزش‌های اخلاقی در *نهج‌البلاغه* (با تأکید بر نامه ۳۱)

فوق‌دنیای زندگی کردن و تحلیل‌گر زندگی خود بودن	غایی‌نگری و توجه به حیات ابدی	تنظیم روابط با دیگران	خوداصلاحی و خودسازی در جهت اهداف اصیل	خداحوری	شناخت حقیقت خود و دنیا
آگاهی به گذر زمان و عمر	مرگ‌آگاهی و فانی دیدن دنیا	احساس مسئولیت نسبت به رفتار دیگران	پرهیز از فعالیت‌های بی‌ثمر	حیات معنوی و یاد خدا	خودشناسی
تماشاگر دنیا و حوادث آن بودن	ابدی‌نگری در رابطه با انسان	خیرخواهی	دوراندیشی	تفکر عمیق در دینداری	شناخت حقایق عالم و دنیا
فوق‌دنیای زندگی کردن	توجه به حیات پس از مرگ	خود را جای دیگران گذاشتن و رفتار کردن (دیدگاه‌گیری)	ضرورت سکوت و پرهیز از گفتار بی‌بوده	تقوا	عبرت‌گیری از تاریخ
پذیرش واقعیت حوادث دنیا	خود را به عنوان مسافر در نظر گرفتن	رعایت حقوق اعضای خانواده	گفتار خرمندانه	جدیت در دینداری	خودآگاهی
		رعایت حقوق دیگران	تواضع	وظیفه‌محوری در دینداری	
		صبر و بخشش در روابط	عمل خرمندانه	دعا	
		مدیریت و هوشمندی در روابط	خودانگیزی	توکل	
		ضرورت حفظ روابط خانوادگی	حساس رصابت		
		نوع‌دوستی	عزت نفس		
		خوشبینی در روابط	واقع‌گرایی		
		دوست‌یابی هوشمندانه	پندپذیری		
		رعایت اخلاق دوستی	صبر		
			میانروی و اعتدال		
			مدیریت و هوشمندی در زندگی		
			خردورزی در علم‌آموزی		
			تواضع در علم‌آموزی		

با توجه به یافته‌های ارائه‌شده در نمودار، می‌توان گفت: ارزش‌های اخلاقی در *نهج‌البلاغه* (با تأکید بر نامه ۳۱)، دارای شش عنوان شبکه مضمون است. هریک از این شبکه‌های مضامین دارای چندین زیرشبکه است که عبارتند

از: «فوق دنیا زندگی کردن و تحلیلگر زندگی خود بودن» با چهار زیرشبکه «غایی‌نگری و توجه به حیات ابدی» با چهار زیرشبکه، «خدامحوری» با هفت زیرشبکه، «شناخت حقیقت خود و دنیا» با چهار زیرشبکه، «تنظیم روابط با دیگران» با دوازده زیرشبکه، «خوداصلاحی و خودسازی در جهت اهداف اصیل» با شانزده زیرشبکه. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده در رابطه با نظام ارزش‌های اخلاقی در نهج‌البلاغه (با تأکید بر نامه ۳۱) و نمودار مربوط به شبکه مضامین، می‌توان به ارائه یک الگوی کیفی (مفهومی) براساس شکل ذیل پرداخت:

شکل ۲: الگوی کیفی (مفهومی) ارزش‌های اخلاقی در نهج‌البلاغه (با تأکید بر نامه ۳۱)



با توجه به آنچه در شکل مشخص است، می‌توان گفت: در بین ارزش‌های مطرح شده، «غایی‌نگری» هسته مرکزی را تشکیل می‌دهد که تأثیر همه‌جانبه‌ای بر ارزش‌های دیگر دارد. در لایه بعدی «شناخت حقیقت خود و دنیا (زندگی)» و «فوق دنیا زندگی کردن و تحلیلگر زندگی خود بودن» قرار دارد که زیربنای اصلی آنها «غایی‌نگری» است و این سه ارزش بعد شناختی بیشتری دارند که در لایه بعدی نوع خاصی از «خدامحوری» در زندگی را به وجود می‌آورد که منجر به «اصلاح و خودسازی» و «تنظیم روابط با دیگران» می‌شود.

پس از جمع‌آوری اطلاعات و تنظیم مطالعات صورت گرفته در قالب رمزگذاری‌های اولیه، ثانویه، جمع‌بندی رمزگذاری‌های اولیه و ثانویه و تنظیم شبکه مضامین و ارائه الگوی کیفی اولیه، پرسشنامه نیمه‌ساختار یافته‌ای ساخته شد و به چهار تن از متخصصان این حوزه که دو تن از آنها روان‌شناسانی با رویکردهای اسلامی و دو تن از متخصصان حوزه **نهج‌البلاغه** بودند، مراجعه شد و نظرات آنها احصا گردید. با توجه به نظرات آنان، تغییراتی در نحوه و عنوان رمزگزاری‌ها اعمال گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی براساس راهبردهای نظری امام علی علیه السلام در **نهج‌البلاغه** (با تأکید بر نامه ۳۱) اجرا شد.

سؤال اصلی در این قسمت پژوهش عبارت بود از اینکه نظام ارزش‌های اخلاقی براساس راهبردهای نظری امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ **نهج‌البلاغه** چیست؟ همچنین مؤلفه‌های نظام ارزش‌های اخلاقی براساس راهبردهای نظری امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ **نهج‌البلاغه** چیست؟

براساس مطالعات صورت گرفته، این گونه می‌توان مطرح کرد که نظام ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه امام علی علیه السلام شامل شش مؤلفه اصلی است که به‌مثابه اصول حاکم بر زندگی فرد در نظر گرفته می‌شوند و به او در انتخاب مسیر زندگی، گرفتن تصمیم‌ها، و رعایت بایدها و نبایدها کمک می‌کنند. هریک از این شش مؤلفه زیرمؤلفه‌هایی دارند که وجوه‌گوناگون آن مؤلفه را نشان می‌دهند. در ادامه به آنها اشاره خواهد شد:

۱. فوق دنیا زندگی کردن و تحلیلگر زندگی خود بودن: این مؤلفه شامل حیطه‌های آگاهی به گذر زمان و عمر، تماشاگر دنیا و حوادث آن بودن، فوق دنیا زندگی کردن و پذیرش واقعیت حوادث دنیاست. این مؤلفه به معنای آن است که انسان در مسیر زندگی خود نسبت به آینده شادمانی بیش از حد، و نسبت به گذشته افسوس بسیار نداشته باشد و به گذرا بودن روزگار و ناپایداری دنیا توجه داشته باشد و در عین تلاش، زندگی خود را بپذیرد و جایگاه حوادث دنیا را درک کند و نسبت به گذر عمر خود آگاه باشد و با این نگاه، به نوعی خود را فراتر از این دنیا در نظر بگیرد و خود را محدود به حوادث این دنیا نکند.

۲. غایی‌نگری و توجه حیات ابدی: این مؤلفه شامل حیطه‌های مرگ‌آگاهی و فانی دیدن دنیا، ابدی‌نگری در رابطه با انسان، توجه به حیات پس از مرگ، و خود را مسافر در نظر گرفتن است.

۳. خدامحوری: این مؤلفه شامل حیطه‌های، حیات معنوی و یاد خدا، تفکر عمیق در دینداری، تقوا، جدیت در دینداری، وظیفه‌محوری در دینداری، دعا و توکل است.

۴. شناخت حقیقت خود و دنیا (زندگی): این مؤلفه شامل حیطه‌های خودشناسی، شناخت حقایق عالم، عبرت‌گیری از تاریخ و خودآگاهی است.

۵. تنظیم روابط با دیگران: این مؤلفه شامل حیطه‌های احساس مسئولیت نسبت به رفتار دیگران، خیرخواهی، خود را جای دیگران گذاشتن و رفتار کردن (دیدگاه‌گیری)، رعایت حقوق دیگران، رعایت حقوق اعضای خانواده، خوش‌بینی در روابط، نوع‌دوستی، صبر و بخشش در روابط، هوشمندی و مدیریت در روابط، ضرورت حفظ روابط خانوادگی، دوست‌یابی هوشمندانه و رعایت اخلاق دوستی است.

۶. خوداصلاحی و خودسازی در جهت اهداف اصیل: این مؤلفه شامل حیطه‌های پرهیز از فعالیت‌های بی‌ثمر، دوراندیشی، ضرورت سکوت و پرهیز از گفتار بیهوده، گفتار خردمندانه، تواضع، عمل خردمندانه، خوداتکایی، احساس رضایت، عزت نفس، واقع‌گرایی، پندپذیری، صبر، میانه‌روی، مدیریت و هوشمندی در زندگی، خردورزی در علم‌آموزی و تواضع در علم‌آموزی است.

انتخاب عناوین مربوط به هریک از مؤلفه‌ها با توجه به زیرمؤلفه‌های آن و انتخاب عناوین مربوط به هریک از زیرمؤلفه‌ها با توجه به مضامین نهج‌البلاغه و معنای هر کدام در متن سخن حضرت علی علیه السلام صورت گرفته است. با توجه به آنچه حضرت در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه مطرح می‌کند و همچنین نوع نگاه تفاسیر به این نامه، می‌توان بین شش مؤلفه استخراج شده نوعی رابطه در نظر گرفت که به ذکر آن می‌پردازیم:

امام به فرزندان می‌فرماید: «فَأَصْلِحْ مَثْوَاكَ وَ لَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ»؛ جایگاه اصلی خود را که قیامت است، اصلاح کن و آخرت خود را به دنیایت مفروش. با توجه به این جمله، حضرت متوجه‌اند که انسان با زنده نگاه داشتن یاد قیامت در زندگی، از بسیاری آفات مصون می‌ماند. توجه به قیامت تمام گزینه‌های زندگی ما را عوض می‌کند. اگر معنای حیات انسان‌ها و جایگاه اصلی آنها (یعنی قیامت) روشن شود، به طور کلی نوع گزینش‌ها و روش‌های جامعه متعالی خواهد شد و نگاه انسان به دنیا نگاه دیگری می‌شود. آنگاه دیگر انسان با سایه‌های ذهنی خود زندگی نخواهد کرد و انتخاب‌هایش در زندگی در جهت معنای اصیل خودش خواهد بود که تا ابدیت ادامه دارد.

بنابراین در نگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام غایبی‌نگری به‌مثابه ارزش حاکم بر جنبه‌های گوناگون زندگی در نظر گرفته می‌شود که در نتیجه آن انسان ابتدا می‌تواند نگاه درستی به خود داشته باشد و جنبه‌های زندگی خود را پیرامون آن شکل دهد.

وقتی نگاه به ابدیت بر زندگی انسان حاکم شد افراد به دنبال نوع خاصی از شناخت حقیقت خود و دنیا می‌روند و می‌کوشند خودشان تحلیلگر زندگی خود باشند و فراتر از حوادث روزمره، جریان‌ات زندگی خود را در نظر بگیرند و به عبارت دیگر به نوعی از فراشناخت در زندگی خود می‌رسند که در لایه‌های بعدی تأثیر خود را بر روی

ارزش‌هایی خواهد گذاشت که جنبه رفتاری بیشتری دارند. این نوع شناخت منجر به ارزش شدن نگاه خدامحورانه در زندگی خواهد شد که این نوع نگاه روابط او با دیگران را شکل می‌دهد و منجر به تلاش برای خودسازی متناسب با هدف‌های اصیل در زندگی می‌گردد.

فرم‌هینی *فرهانی و قلی‌زاده* مقدم (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی ویژگی‌های جوان معیار از دیدگاه امام علی علیه السلام در *نهج‌البلاغه* (با تأکید بر نامه ۳۱) پرداختند که از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به تهذیب نفس، تقوا، خیرخواه بودن، احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها، توجه به تجارب پیشینیان، رعایت حدود دوستی و تقویت عزت نفس اشاره کرد که با تعدادی از ارزش‌های استخراج‌شده در این پژوهش همخوانی داشت.

همچنین محمد و حیونی (۲۰۰۷) بر پایه بررسی‌های صورت‌گرفته، به سه بعد ارزش‌های محوری اشاره می‌کند: ارزش‌های مربوط به رشد شخصی یا خود؛ ارزش‌های مربوط به دیگران یا جامعه؛ و ارزش‌های مربوط به خدا یا معنویت. این ارزش‌ها بر مبنای ارزش‌های سنتی اسلامی، به نه محور فرعی طبقه‌بندی شده‌اند. این یافته‌ها تأییدکننده سه مؤلفه از شش مؤلفه ارزش‌های اخلاقی بر مبنای دیدگاه امام علی علیه السلام در *نهج‌البلاغه* است.

عبدالله، صالح، محمود و غنی (۲۰۱۰) در پژوهش خود به دنبال گسترش یک ابزار اندازه‌گیری ارزش‌های اخلاقی، چهار عامل ارزش‌های شخصی - معنوی، شخصی - اجتماعی، معنوی - اجتماعی و ارزش‌های شخصی و نه زیرمؤلفه بردباری (شکیبایی)، قردانی، فروتنی، توجه مثبت، صداقت، عشق و مراقبت، توکل، صمیمیت، و تقوا را مطرح کردند که نشانگر اهمیت توجه به موضوع ارزش‌های اخلاقی است.

با مرور پژوهش‌های صورت‌گرفته در حیطه ارزش‌های انسانی و ارزش‌های اخلاقی، متوجه می‌شویم عمده توجه این ارزش‌ها مطرح کردن مفاهیمی مانند تقوا، توکل و فروتنی در زندگی این‌دنیایی فرد است و به یکی از اصیل‌ترین ابعاد انسان (یعنی میل به ابدیت و ارزش‌غایی‌نگری) توجهی ندارند.

این در حالی است که در نگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام توجه به ابدی بودن انسان و غایی‌نگری در هسته مرکزی نظام ارزش‌های انسان قرار می‌گیرد که تأثیر خود را بر سایر ارزش‌ها می‌گذارد و سایر ارزش‌ها در نگاه حضرت با دید غایی‌گرایانه می‌توانند تأثیر خود را در جهت‌دهی به زندگی فرد داشته باشند.

یکی دیگر از نکات مطرح‌شده توسط حضرت همین ارتباط متقابل بین ارزش‌ها و تأثیر آنها بر روی یکدیگر است که نگاه تازه‌ای را در حیطه ارزش‌های اخلاقی مطرح می‌کند و برخلاف ارزش‌های مطرح‌شده در سایر مکاتب، ارزش‌ها مفاهیمی نسبی یا جدای از یکدیگر نیستند، بلکه مفاهیم مطلق هستند که در ارتباط با یکدیگر می‌توانند تأثیر خود را بگذارند؛ مثلاً، حضرت نوعی از خودسازی را مطرح می‌کنند که نگاه خدامحورانه و مبتنی بر شناخت حقیقت خود و دنیا و توجه به آخرت در آن محور باشد. بنابراین می‌توان الگویی از ارزش‌های اخلاقی را به

جامعه و به‌ویژه نسل جوان معرفی کرد که تمام جنبه‌های زندگی او را دربر می‌گیرد و یا به‌عبارت دیگر، برای تمام ابعاد زندگی بشر دارای برنامه است و می‌تواند به‌مثابه ابزاری کارآمد، او را در مراحل گوناگون زندگی و گرفتن تصمیمات مهم یاری کند و انسان را از سردرگمی و احساس پوچی که یکی از بلاهای بزرگ انسان عصر جدید است، نجات دهد. این الگو می‌تواند یک برنامه تربیتی برای کمک به والدین در جهت تربیت فرزندان باشد تا انسانی کارآمد و توانمند تربیت کنند و ابزاری را در اختیار فرزند خود قرار دهند که بتواند شخصیت خود را بهتر شکل دهد و بحران هویت در دوران نوجوانی را سریع‌تر و کامل‌تر پشت سر بگذارد.

ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} به سبب عصمت و نگاه همه‌جانبه‌ای که دارند، از تمام زوایای وجودی و نیازها و خواسته‌های انسان اصیل آگاهند و به همین سبب بهترین برنامه را برای رشد روحی و روانی فرد و مدیریت زندگی به او ارائه می‌دهند. بنابراین مراجعه به آنها برای بررسی ابعاد گوناگون رفتاری و روانی انسان و برنامه‌ریزی براساس نگاه آن بزرگواران، اصلی مهم برای پژوهشگران است.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه محمد دشتی، تهران، اسوه.

احمدوند علی و علی رضایی، ۱۳۸۴، «مقایسه و تعیین میزان همخوانی اولویت‌های ارزشی، دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان و والدین و آموزگاران آنها»، *مطالعات روان‌شناختی*، ش ۱ (۳)، ص ۹۷-۱۲۲.

پوریوسفی، حمید و مجید آقاپورفرکوش، ۱۳۸۶، «مطالعه و بررسی تفاوت ارزش‌های مشترک خانواده و مدرسه از دیدگاه جامعه‌شناختی»، *پژوهش نامه علوم اجتماعی*، ش ۱ (۴)، ص ۱۰۷-۱۲۳.

توسلی، غلامعباس و رضا فاضل، ۱۳۸۹، *مبانی جامعه‌شناسی*، چ بیست و پنجم، تهران، سمت.

تیمی امدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

دین پرور، جمال الدین، ۱۳۹۳، *فرزندم چنین باش*، تهران، بنیاد نهج البلاغه.

ظاهرزاده، اصغر، ۱۳۹۳، *فرزندم این چنین باید بود*، اصفهان، لب المیزان.

علوی، حمیدرضا و مهناز حاج غلامرضایی، ۱۳۹۱، «روش‌شناسی آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۸، ص ۱۰۷-۱۳۳.

کاردوست فینی، خدیجه، ۱۳۹۳، «بررسی سازگاری ارزش‌های اخلاقی با دین با تأکید بر اسلام»، *اخلاق*، ش ۴ (۳)، ص ۹۵-۱۲۷.

کرس ول. ج، ۱۳۹۱، *طرح پژوهش رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی*، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران، جهاد دانشگاهی - واحد علامه طباطبائی.

فرمپهینی فراهانی، محسن و زینب قلی‌زاده مقدم، ۱۳۸۹، «ویژگی‌های جوان معیار از نگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه»، *مهندسی فرهنگی*، ش ۴ (۴۱)، ص ۸-۱۵.

لطف‌آبادی، حسین و وحیده نوروزی، ۱۳۸۳، «نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی به منظور بررسی تأثیر جهانی شدن بر نظام ارزشی دانش‌آموزان ایران»، *نواوری‌های آموزشی*، ش ۹ (۳)، ص ۸۸-۱۱۹.

محمدپور، احمد، ۱۳۹۰، *روش تحقیق ضد روش*، ج ۱، تهران، جامعه‌شناسان.

مدنی بروجنی، سیداحمد و احمدرضا نصر، ۱۳۸۸، «سه‌سوسازی: راهبردی برای نوآوری در پژوهش‌های آموزشی»، *نواوری‌های آموزشی*، ش ۸ (۳۰)، ص ۵۳-۷۳.

مصباح بزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح، مجتبی، ۱۳۹۰، *بنیاد اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰، *پیام امام امیرالمؤمنین*، قم، امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام.

ملکی‌پور، احمد و همکاران، ۱۳۹۳، «ارزیابی و بسترسازی مؤلفه مؤثر بر نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی (مطالعه موردی: مدارس متوسطه مناطق دهلران)»، *اخلاق*، ش ۱۵، ص ۸۱-۱۰۵.

ملکی، امیر، ۱۳۸۴، *بررسی نظام ارزشی جامعه ایران با تکیه بر نظریه نوسازی و تغییرات اینگلههارت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

مهدوی، محمدصادق و امین زارعی، ۱۳۹۰، «عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به ارزش‌های اخلاقی (مطالعه موردی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی استان همدان در سال تحصیلی ۸۳-۸۴)»، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ش ۱ (۳)، ص ۱-۲۱.

میردیکوندی، رحیم، ۱۳۸۲، «رابطه شخصیت با نظام‌های ارزشی از دیدگاه آلپورت با نگاهی ویژه به ارزش دینی»، *معرفت*، ش ۶۴، ص ۷۶-۸۲.

میلانی، مهین، ۱۳۸۶، *زندگی در اینجا و اکنون: هنر زندگی متعالی*، تهران، فراروان.

نजारزادگان، فتح‌الله، ۱۳۸۷، *رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی*، قم، معارف.

نوری‌پور لیاولی، رقیه و رویا رسولی، ۱۳۹۲، «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ش ۳ (۱۱)، ص ۱۰۸-۹۷.

Abdullah, S., Salleh, A., Mahmud, Z., Ghani, S.A., 2010, "Moral Value Inventory for Muslim Adolescents", *Social and Behavioral Sciences*, N. 7 (C), p. 106-111.

Creswell, J.W. & Plano Clark, V. L., 2007, *Designing and conducting mixed method research*, Thousand Okas, CA, Sage.

Denzin, N. K., 1978, *The Research Act: A Theoretical Introduction to Sociological Methods*, New York, McGraw-Hill.

Homayouni, A., Karabi, S., 2011, *Social adaptation and identity in university students*, 20th *European Congress of Psychiatry*, Prague, Czech Republic.

Maior, G. F., 1998, "Values, evidence and implications", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 74 (2), p. 294-311.

Mansted, A., & Hostone, M., 1996, *The black well Encyclopedia of social psychology*, Blackwell Press.

Muna, S. A., 2010, *The development of adolescence the career decision making indicator (CDM) and it's relation to "Big Five" personality*, Ph.D. Thesis, University Kebangsaan.

Rokeach, M., 1973, *The nature of human values*, New York, Free Press.

Tilker, H. A., 1975, *Developmental psychology today*, NY, CRM/Random House.

Wahyuni, M., 2007, *Yakin diri: 9 jalancerdasemosidancerdas spiritual*, Kuala Lumpur, PTS Publication.